

## تحلیل مقایسه‌ای رابطه بین حس باهمستان و کیفیت زندگی در شهرها (پژوهش موردی: شهرک ولیعصر و محله پایین در شهر قائن)

معصومه حاجی زاده کرکند (دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران، نویسنده

مسئول)

[masumeh.hajizadeh71@gmail.com](mailto:masumeh.hajizadeh71@gmail.com)

محمد سلمانی مقدم (استادیار جغرافیای شهری، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران)

[m.salmani@hsu.ac.ir](mailto:m.salmani@hsu.ac.ir)

سعید حسین آبادی (استادیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه بزرگمهر قاینات، قائن، ایران)

[Hosseinabadi@buqaen.ac.ir](mailto:Hosseinabadi@buqaen.ac.ir)

هادی سلیمانی مقدم (استادیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران)

[h.soleymani@hsu.ac.ir](mailto:h.soleymani@hsu.ac.ir)

تاریخ تصویب: ۱۴۰۰/۱۱/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۲۹

صص ۱۰۱-۸۳

### چکیده

هدف از پژوهش حاضر تحلیل و بررسی مقایسه‌ای وضعیت حس باهمستان و کیفیت زندگی و رابطه بین این دو متغیر در دو محله متفاوت از هم (شهرک ولیعصر به‌عنوان محله جدید و محله پایین به‌عنوان محله قدیمی) در شهر قاین است. رویکرد کلی این تحقیق توصیفی - تحلیلی است و یک تحقیق پیمایشی محسوب می‌شود. جهت گردآوری داده‌های میدانی از پرسشنامه استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش شامل جمعیت دو محله مذکور است. حجم کل نمونه بر اساس فرمول کوکران ۳۷۰ نفر تعیین شد و سهم هر محله از این حجم نمونه با توجه به جمعیت آن مشخص گردید. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون T گروه‌های مستقل و همبستگی پیرسون در نرم‌افزار SPSS استفاده شد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که وضعیت کیفیت زندگی و حس باهمستان در هر دو محله مطالعاتی بالاتر از حد متوسط است و از این نظر تفاوت معناداری بین دو محله وجود ندارد. نتایج آزمون همبستگی پیرسون نیز نشان می‌دهد که در محدوده مطالعاتی بین «حس باهمستان» و «کیفیت زندگی» رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. بنابراین تقویت حس باهمستان در محلات شهری می‌تواند به افزایش رضایت از زندگی کمک کند.

**کلیدواژه‌ها:** حس باهمستان، شهر قاین، کیفیت زندگی، محله پایین، محله ولیعصر.

## ۱. مقدمه

محلّه جزئی از سازمان فضایی شهر است که قابلیت شناسایی شدن از نظر اجتماعی-فرهنگی را دارا بوده و مولد معناست. بعد اجتماعی محلات -که شامل خصوصیات ساکنان، فعالیت‌ها و تجربه‌های مشترک و روابط اجتماعی بین آنهاست- به‌عنوان باهمستان<sup>۱</sup> یاد می‌شود (منصوررضایی و همکاران، ۱۳۹۲، ص. ۷۰-۷۱). در فرهنگ واژگان آکسفورد «باهمستان» به معنای گروهی از انسان‌ها که در یک مکان، ناحیه و یا محدوده‌ی مشترک زندگی کرده و ویژگی‌های مشترک مذهبی، شغلی، ملی و... دارند، ذکر شده است (رفیعیان و همکاران، ۱۳۹۴، ص. ۶). سه ویژگی مهم باهمستان (اجتماع) عبارت است از: ۱) مشارکت در فعالیت‌های گروهی، ۲) هویت‌یابی با گروه، ۳) داشتن قلمرو فیزیکی که اعضای گروه تعلق خاطر فراوانی به آن دارند. مفهوم باهمستان با تعلق خاطر به یکدیگر و به محل فیزیکی همراه است. به همین دلیل گاهی باهمستان را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: رابطه عمیق روانی و عاطفی فرد با گروه یا با یک محل خاص (شارع پور، ۱۳۹۵، ص. ۱۱-۱۲).

بر این اساس در باهمستان‌ها از احساس و روابطی که بین اعضای آن وجود دارد به‌عنوان حس باهمستان<sup>۲</sup> یاد می‌شود. حس باهمستان به عنوان معیاری برای ارزیابی سرمایه اجتماعی؛ تولید سیاست‌های اجتماعی، توسعه باهمستانهای جغرافیایی و ظرفیت‌سازی باهمستان عمل می‌کند (پرتی<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۰۶، ص. ۲). حس باهمستان ممکن است یک عنصر کلیدی برای ارتقاء یکپارچگی جامعه از طریق مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی باشد (تری<sup>۴</sup>، ۲۰۱۷، ص. ۸). از نظر مک میلان و چاوایس<sup>۵</sup> (۱۹۸۶) حس باهمستان، احساس تعلق افراد یک اجتماع به همدیگر و اعتقاد به یک سرنوشت مشترک و نیز تأمین نیازهای افراد آن گروه است (ایزابل<sup>۶</sup> و همکاران، ۲۰۱۳، ص. ۶۰۲). بنابراین، تعریف آن‌ها شامل ۴ عنصر عضویت<sup>۷</sup>، تأثیرگذاری<sup>۸</sup>، تأمین نیازها<sup>۹</sup> و پیوندهای عاطفی مشترک<sup>۱۰</sup> است (اوبست<sup>۱۱</sup>، ۲۰۰۴، ص. ۲۷۲). عضویت به احساسی اشاره دارد که فرد خود را جزئی از جامعه می‌داند. این عضویت را می‌توان به‌سادگی، میزان احساس یکی بودن، همگون بودن و پذیرش از طرف محله دانست. مؤلفه تأثیرگذاری به‌عنوان فرصت افراد برای شرکت در زندگی اجتماعی است و در یک رابطه دوجانبه قرار می‌گیرند؛ از یک طرف بر محله تأثیر می‌گذارند و از یک طرف تأثیر می‌پذیرند و مؤلفه تحقق نیازها به‌عنوان سومین مؤلفه حس تعلق محله‌ای بر ارضای نیازهای واقعی اعضای محله تأکید دارد. در بین این مؤلفه‌های چهارگانه پیوندهای عاطفی شاید احساسی‌ترین

1. Community
2. Sense of community
2. Pretty
3. Terry
4. Mc Millan and chavis
5. Isabel
7. Membership
8. Influence
9. Reinforcement of Needs
10. Shared Emotional Connection
11. Obst

و روان‌شناختی‌ترین مؤلفه باشند. پیوندهای عاطفی باعث اتصال فرد به اجتماع محله‌ای و محیط اطراف خود می‌شود. این اتصال و یگانگی به کنش‌های او معنا می‌دهد (زیاری و همکاران، ۱۳۹۶، ص. ۷۳ - ۷۲). یک پیوند عاطفی مشترک تا حدودی بر پایه پیشینه مشترک است. فعل و انفعالات اعضا در رخدادهای مشترک و ویژگی‌های خاص رخدادهای ممکن است قدرت باهمستان را تسهیل کند یا مانع آن شود (مک میلان و چاوایس، ۱۹۸۶، ص. ۱۱). گسترش و تسهیل شبکه ارتباطات و پیوندهای اجتماعی سطح دسترسی افراد و گروه‌ها را به منافع اجتماعی و اقتصادی ارتقا می‌دهد. این پیوند و ارتباطات در اشکال متفاوت خود، یعنی به صورت درون‌گروهی و برون‌گروهی، به مثابه نوعی چسب باعث می‌شود که عناصر موجود در جامعه به هم اتصال یابند و کنش‌های جمعی از قبیل تعاون، حمایت‌های اجتماعی و... تسهیل گردد. بنابراین کیفیت زندگی در ابعاد مختلف خود تحت تأثیر کیفیت ارتباطات و پیوندهای اجتماعی است (غفاری و امید، ۱۳۸۸، ص. ۸۱).

کیفیت زندگی<sup>۱</sup> ویژگی‌های کلی اجتماعی و اقتصادی محیط را در یک ناحیه نشان می‌دهد که می‌تواند به عنوان ابزاری قدرتمند برای نظارت بر برنامه‌ریزی توسعه اجتماع به کار رود. همچنین عنوان معیاری برای سنجش میزان برآورده شدن نیازها تعریف شده است (محمودی زاد و ذاکر حقیقی، ۱۳۹۵، ص. ۸). به نظر «مالمن<sup>۲</sup>» کیفیت زندگی مفهومی ناظر بر افراد است و همچون انتظارات از طریق تعامل پویای بین فرد مفروض، جامعه و محل سکونت او تعیین می‌شود (شریتیان و عرفانیان قصاب، ۱۳۹۷، ص. ۲۰۵-۲۰۴). همچنین کیفیت زندگی اشاره به احساس رضایت فرد از زندگی یا چگونگی دید یا احساس فرد نسبت به زندگی دارد که در افراد مختلف متفاوت است (کروبی و همکاران، ۱۳۹۹، ص. ۶۸). کیفیت زندگی شهری، واژه‌ای در بردارنده‌ی دو دسته از شاخص‌های ذهنی (کیفی) و عینی (کمی) است که با توجه به ابعاد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و زیست‌محیطی به دنبال برنامه‌ریزی تأمین نیازهای مادی و معنوی زندگی شهروندان و رضایت‌مندی حداکثری آنان از زندگی می‌باشد (نقدی و بابایی، ۱۳۹۴، ص. ۳). رویکرد عینی کیفیت زندگی که در اکثر کشورهای اروپایی به‌ویژه کشورهای اسکاندیناوی طرفدار دارد (همان، ۱۳۹۴، ص. ۶) به عنوان مجموعه‌ای از شرایط واقعی و بیرونی زندگی و مواردی آشکار و مرتبط با استانداردهای زندگی قلمداد می‌شود. این موارد شامل سلامت جسمانی، شرایط شخصی (از جمله ثروت و شرایط زندگی و...) یا دیگر عوامل اجتماعی و اقتصادی است (فیروز جاییان و دهقان حداد، ۱۳۹۴، ص. ۱۶۵). در رویکرد ذهنی با استفاده از شاخص‌های ذهنی، کیفیت زندگی موردسنجش و ارزیابی قرار می‌گیرد و به جای استفاده از داده‌های ثانویه، شهروندان به‌طور مستقیم (از طریق پرسش‌نامه و مصاحبه) مورد تحلیل قرار گرفته و میزان رضایت‌مندی آن‌ها از جنبه‌های مختلف زندگی شهری بررسی می‌شود (حسینی عباس‌آبادی و طالعی، ۱۳۹۶، ص. ۴۵). سنجش کیفیت زندگی با استفاده از این رویکرد مشکل‌تر بوده و وقت و هزینه‌ی بیشتری را نسبت به رویکرد

1. Quality of life

2. Mallman

عینی، به خود اختصاص می‌دهد. لیکن نتایج حاصل از آن منطقی‌تر بوده و بیشتر به واقعیت نزدیک می‌باشد (لطفی، ۱۳۸۸، ص. ۷۵).

کیفیت زندگی دارای ابعاد اجتماعی، کالبدی- محیطی و اقتصادی است. بعد اجتماعی تأثیر قابل توجهی بر احساسات اساساً اجتماعی مردم دارد. این بعد در سطح میانه موردسنجش قرار می‌گیرد و شاخص‌های آن تلفیقی از شاخص‌های ذهنی و عینی کیفیت زندگی هستند. در صحبت از بعد اجتماعی کیفیت زندگی معمولاً ارزیابی کارکردی شهروندان سخن به میان می‌آید (ربانی و کیان پور، ۱۳۸۷، ص. ۵۲-۵۱). در بعد اجتماعی احساس بهتر بودن و کیفیت ارتباطات افراد با خانواده، دوستان، همکاران و اجتماع تبیین می‌شود (رحمانی فیروزجاه و سهرابی، ۱۳۹۲، ص. ۱۶۰). بعد محیطی - کالبدی این بعد در سطح کلان قرار دارد، شرایط خارجی و عوامل محیطی را موردبررسی قرار می‌دهد. از جمله مهم‌ترین این شاخص‌ها می‌توان به شرایط محیط‌زیست و وضعیت بهداشت - سلامت شهروندان اشاره کرد (ربانی و کیانپور، ۱۳۷۸، ص. ۵۴). بعد اقتصادی با شاخصهایی چون میزان درآمد، نوع شغل و رضایت شغلی ارزیابی می‌شوند (رحمانی فیروزجاه و سهرابی، ۱۳۹۲، ص. ۱۶۰). اقتصاد تأمین‌کننده مشاغل و درآمد و برای سلامتی مردم حیاتی است؛ مانند توانایی مردم برای تأمین خوراک، پوشاک، مسکن و تأمین نیازهای سطوح بالاتر نظیر آموزش، بهداشت و تفریحات (ویسی ناب و همکاران، ۱۳۹۸، ص. ۱۳۳).

حس باهمستان منجر به رضایت از زندگی می‌شود به طوری که باعث تشویق روابط محله‌ای می‌شود و ادراک فرد از توانمندسازی فردی و گروهی را ارتقاء می‌بخشد. حس باهمستان همچنین می‌تواند به درک مثبت از اجتماع محلی و به پایداری و ثبات محله و رشد و رضایت بیشتر از زندگی منجر شود (اسمیت<sup>۱</sup>، ۲۰۱۱، ص. ۴۷).

پژوهش‌های گوناگونی نقش حس باهمستان در افزایش بهزیستی و کیفیت زندگی شهروندان را بررسی کرده‌اند. طبق تحقیق سیکوگنانی<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۱۲) مشارکت اجتماعی و حس باهمستان اثرات مثبتی بر رفاه اجتماعی دارد. مطالعات نشان می‌دهد که حس باهمستان با شاخص‌های مختلف رفاه مانند: رضایت از زندگی ارتباط دارد. این یافته‌ها نشان می‌دهد که اعضای جامعه‌ای که حس باهمستان بیشتری دارند، احساس تعلق بیشتری نیز دارند و اینکه احساس عضوی از جامعه بودن منجر به رضایت بیشتری از زندگی می‌شود. واندرسمن و چیوز استدلال می‌کنند افرادی که حس باهمستان بیشتری دارند ارزیابی مثبت‌تری از جامعه‌شان و رضایت بیشتری از محیط‌شان دارند (صلاحی و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۱۸، ص. ۲۸۲). هوانگ<sup>۴</sup> و وونگ (۲۰۱۳)، در مقاله‌ای به این نتیجه رسیده‌اند که حس باهمستان با رضایت از زندگی و افسردگی ارتباط معناداری دارند. نتایج بیانگر تأثیر حس باهمستان بر رضایت از زندگی است. ماریا ایزابل<sup>۵</sup> و همکارانش (۲۰۱۳) نیز که به بررسی تأثیر حس باهمستان بر رضایت از زندگی در

1. Smith
2. Cicognani
3. Salahi
4. Huang
5. Isabel

جمعیت بومی و مهاجر در اسپانیا پرداخته‌اند؛ به این نتیجه رسیده‌اند که مردم با حس باهمستان بالاتر به‌طور قابل توجهی دارای رضایت از زندگی بالاتری است. همچنین مشخص شده است که رضایت از زندگی در بومیان بیشتر از مهاجران است. تری<sup>۱</sup> (۲۰۱۷)، نیز به نقش حس باهمستان در رابطه بین مشارکت اجتماعی و بهبود منحصراً به فرد بیماری‌های روانی نوشته است. نتیجه مطالعات نشان داده که حس باهمستان تا حدی واسطه ارتباط بین مشارکت اجتماعی و سلامت روانی و همچنین پریشانی روانی و به‌طور کامل واسطه ارتباط بین مشارکت اجتماعی و سلامت جسمانی است. کانتاررو<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۰۷) رابطه بین حس اجتماع و رضایت از زندگی را مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج پژوهش نشان‌دهنده وجود رابطه مثبت بین حس اجتماع و کیفیت زندگی است.

هدف اصلی تحقیق حاضر نیز، سنجش، تحلیل و بررسی مقایسه‌ای تأثیر حس باهمستان بر کیفیت زندگی در دو محله شهری با بافت متفاوت از هم در شهر قاین (محلّه پایین به عنوان یک محلّه قدیمی و شهرک ولیعصر به عنوان یک محلّه جدید) است. اهداف فرعی این پژوهش عبارت‌اند از: ارزیابی تطبیقی کیفیت زندگی ساکنان دو محلّه پایین و شهرک ولیعصر شهر قاین و همچنین ارزیابی تطبیقی سطح حس باهمستان در دو محلّه مذکور. بر پایه اهداف ذکر شده فرضیات پژوهش بدین صورت مطرح می‌شوند:

- بین محلّه قدیم (محلّه پایین) و محلّه جدید (شهرک ولیعصر) از نظر میزان حس باهمستان تفاوت وجود دارد.
- بین دو محلّه مورد مطالعه از نظر کیفیت زندگی ساکنان تفاوت معناداری وجود دارد.
- بین حس باهمستان و کیفیت زندگی در محلات مورد مطالعه رابطه معنادار وجود دارد.
- میزان همبستگی بین دو متغیر حس باهمستان و کیفیت زندگی در دو محلّه مورد مطالعه تفاوت معناداری با هم دارد که در این فرضیه نوع محلّه به‌عنوان متغیر تعدیلگر مطرح است و این مورد بررسی می‌شود که آیا نوع محلّه می‌تواند رابطه بین دو متغیر حس باهمستان (به‌عنوان متغیر مستقل) و کیفیت زندگی (به‌عنوان متغیر وابسته) را تحت تأثیر قرار دهد یا نه.

## ۲. روش‌شناسی

### ۲.۱. روش پژوهش

رویکرد کلی این تحقیق توصیفی - تحلیلی است و یک تحقیق پیمایشی محسوب می‌شود. روش گردآوری داده‌ها به دو دسته کتابخانه‌ای و میدانی تقسیم می‌شود روش کتابخانه‌ای بیشتر جهت تدوین مبانی نظری و مرور پیشینه تحقیق از طریق مراجعه به مقالات، پایان‌نامه‌ها، کتاب‌ها و... انجام شده است. در روش میدانی ابزار مورد استفاده پرسش‌نامه می‌باشد و با تعداد ۵۷ سوال که به صورت سؤالات بسته است سعی در سنجش متغیرهای تحقیق در قالب طیف لیکرت را دارد. جامعه آماری در این تحقیق شامل جمعیت دو محلّه قدیمی و جدید (محلّه پایین و

1. Terry  
2. Cantarero

شهرک ولی عصر) می باشد و نمونه گیری نیز از طریق افرادی که ساکن در دو محله هستند صورت گرفته است. میزان حجم نمونه آماری از فرمول کوکران با توجه به مجموع جمعیت دو محله و با در نظر گرفتن سطح خطای ۵ درصد برابر ۳۷۰ نفر مشخص شد. طبق سرشماری عمومی نفوس و مسکن مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۵ جمعیت محله ی پایین ۳۰۰۳ نفر و مساحت محله ۵۱ هکتار و جمعیت محله شهرک ولی عصر ۴۳۱۵ نفر و مساحت آن ۸۵ هکتار می باشد با توجه به سهم جمعیتی هر محله، حجم نمونه در محله پایین ۱۵۰ نفر و در شهرک ولی عصر ۲۲۰ نفر مشخص گردید. پس از گردآوری داده های میدانی، در محیط نرم افزار SPSS از روش های آمار توصیفی، شامل آماره های فراوانی، میانگین و انحراف معیار بهره برده شد. با توجه به نرمال بودن داده ها، برای مقایسه سطوح متغیرهای تحقیق در دو محله شهرک ولی عصر و پایین از آزمون میانگین T گروه های مستقل و جهت بررسی ارتباط بین متغیرهای پژوهش، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است برای روایی پرسشنامه متن آن در اختیار کارشناسان قرار گرفت. و برای سنجش پایایی پرسشنامه نتایج در نرم افزار SPSS وارد گردید و ضریب آلفای کرونباخ برای آن ها محاسبه شد. ضریب مورد نظر ۰/۸۹۵ به دست آمد و از آنجایی که مقدار این ضریب در تمامی عامل های پرسشنامه بزرگتر از ۰/۷ می باشد، بنابراین گویه های پرسشنامه از نظر پایایی در سطح مناسبی قرار دارد

#### جدول ۱. تعریف عملیاتی متغیرهای تحقیق

نام متغیر	بعد	شاخص	گویه ها (سوالات پرسشنامه)
متغیر مستقل: حس باهمستان	عضویت	عضویت	- من بسیاری از افرادی که در این محله زندگی می کنند را می شناسم. - من این محله را مثل خانه خود می دانم. - بسیاری از همسایگان مرا می شناسند.
	حس تاثیر گذاری	حس تاثیر گذاری	- من در مورد اینکه همسایگانم در مورد اعمال من چه فکری می کنند اهمیت می دهم. - من نقش مؤثری در این محله دارم. - اگر مشکلی در این محله پیش آید، افراد ساکن در اینجا می توانند آن را حل کنند.
	تامین نیازها	تامین نیازها	- من این محله را یک مکان خوب برای زندگی خود می دانم. - مردم ساکن در این محله دارای ارزشهای مشترکی هستند. - همسایگان من و من اهداف یکسانی را برای محله دنبال می کنیم.
	پیوندهای عاطفی مشترک	پیوندهای عاطفی مشترک	- برای من بسیار مهم است که در این محله زندگی می کنم. - مردم ساکن در این محله به طور کلی باهم رابطه خوبی دارند. - در امور مربوط به محله با سایر هم محله ای ها همکاری می کنم. - من دوست دارم مدت طولانی در این محله زندگی کنم.

نام متغیر	بعد	شاخص	گویه ها (سوالات پرسشنامه)	
متغیر وابسته: کیفیت زندگی	اجتماعی	امنیت	- کودکان به تنهایی می توانند با امنیت کامل در محله حضور یابند. - قدم زدن شبانه در نقاط خلوت تهدید جانی برای من ندارد. - زنان می توانند بدون مزاحم و به راحتی در محله حضور یابند. - اطمینان خاطر از خالی گذاشتن منزل برای مواقعی مثل سفر - از گذاشتن اتومبیل یا موتور سیکلت بدون دزدگیر در کوچه و خیابان های این محله ترسی ندارم.	
		اوقات فراغت	- رضایت از اوقات فراغت	
		ارتباطات (تعلقات اجتماعی)	- رضایت از ارتباطات و معاشرت با همسایگان	
	کالبدی - محیطی	رضایت از دسترسی به خدمات	حس نشاط	- من از خودم احساس رضایت کامل دارم - من به آینده خوش بین و امیدوارم - زندگی من دارای هدف و معنی است - احساس می کنم زندگی تحت کنترل من است
			کیفیت شبکه معابر	- وضعیت اهالی محله از لحاظ دسترسی آسان به وسایل حمل و نقل عمومی - وضعیت محله به لحاظ برخورداری از خدمات زیر بنایی - وضعیت محله به لحاظ برخورداری و دسترسی به خدمات تجاری - دسترسی به مراکز درمانی - وضعیت محله به لحاظ برخورداری از امکانات فرهنگی و هنری - دسترسی به پارک و فضای سبز - وضعیت محله به لحاظ برخورداری از امکانات ورزشی برای جوانان
		کیفیت محیطی	کیفیت محیطی	- وضعیت محله از لحاظ برخورداری از شبکه دفع فاضلاب، جمع آوری بهداشتی و اصولی زباله - دفع آبهای سطحی
			کیفیت مسکن	- میزان رضایت از کیفیت مسکن (خانه)
اقتصادی	اقتصادی	شغل درآمد پس انداز	- رضایت از درآمد، پس انداز و وضعیت شغلی و امید به بهبود شغلی	

مأخذ: (رهنمایی و همکاران، ۱۳۹۱؛ حسین‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۳؛ نسترن و همکاران، ۱۳۹۴؛ آر. هنلی<sup>۱</sup>، ۲۰۱۱؛ مک میلان و چاویس<sup>۲</sup>، ۱۹۸۶)

1. R. Henlay
2. McMillan & Chavis

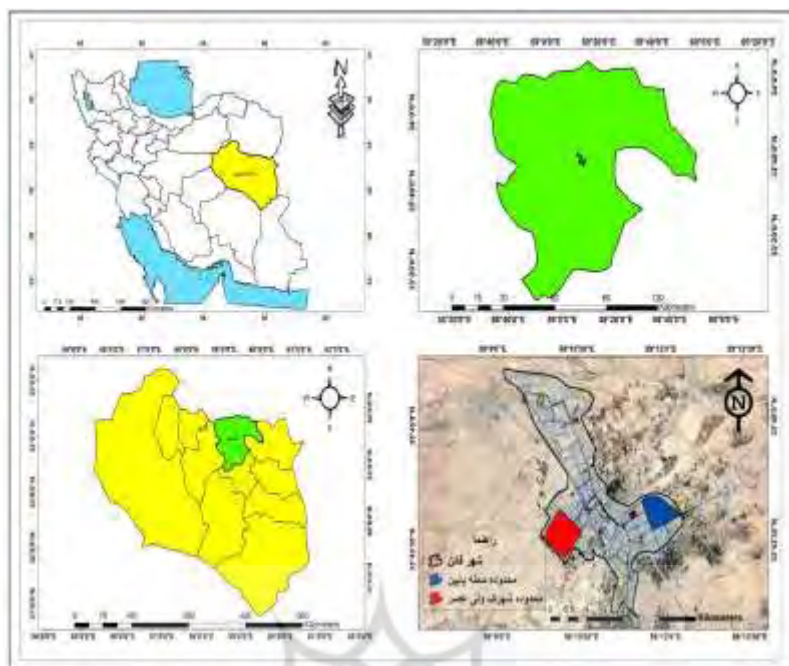
## ۲.۲. محدوده مورد مطالعه

شهرستان قائنات از جمله شهرستان های استان خراسان جنوبی بوده و در شمال استان قرار گرفته که مرکز این شهرستان شهر قاین است که بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵ دارای جمعیتی حدود ۴۲۳۲۳ نفر می باشد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). شهر قاین بین ۵۹ درجه و ۱۲ دقیقه تا ۵۹ درجه و ۱۴ دقیقه طول شرقی و ۳۳ درجه و ۴۲ دقیقه تا ۳۳ درجه و ۴۵ دقیقه عرض شمالی واقع است. قاین بر روی دشتی هموار در ارتفاع ۱۴۴۰ متر از سطح دریا قرار داشته و فاصله آن از مشهد ۳۲۷ و از بیرجند مرکز استان خراسان جنوبی ۱۰۵ کیلومتر می باشد (رجبی، ۱۳۸۴، ص. ۲۵۳).

«محلہ پایین» در شرق شهر قاین محسوب می شود و در بافت و محدوده تاریخی شهر واقع شده است و دارای بافتی متراکم و فشرده می باشد و به همراه «محلہ بالا» محدوده شهر تا قبل از ۱۳۴۳ را در بر می گیرد. این محلہ در طول زمان بخش قابل توجهی از ساختمان های اداری و تجاری شهر را در خود جای داده است به همین لحاظ هنوز هم مرکز اصلی شهر به شمار می رود (خسروی، ۱۳۷۸، ص. ۱۲۶). محلہ پایین، طبق سرشماری سال ۱۳۹۵ حدود ۳۰۰۳ نفر جمعیت و مساحت آن حدود ۵۱ هکتار و بنابراین تراکم ناخالص این محلہ ۵۸/۹ نفر در هکتار است. بعد خانوار ۳/۳۲ نفر و شاخص تراکم در واحد مسکونی ۱/۰۲۱ خانوار می باشد. محلہ «شهرک ولیعصر»، در غرب شهر قاین واقع شده و جزو محلات جدید و دارای بافتی عمدتاً برنامه ریزی شده و ناهمگون است. جمعیت این محلہ نیز طبق آخرین سرشماری، ۴۳۱۵ نفر و مساحت آن حدود ۸۵ هکتار و بدین ترتیب تراکم جمعیتی آن ۵۰/۷ نفر در هکتار است، بعد خانوار و تراکم خانوار در واحد مسکونی نیز به ترتیب ۳/۵۱ نفر و ۱/۰۱۷ می باشد. مقایسه این شاخص ها در دو محلہ نشان می دهد شاخص بعد خانوار با اختلافی اندک در محلہ ولیعصر بیشتر است؛ اما تراکم ناخالص جمعیتی و نیز تراکم خانوار در واحد مسکونی در محلہ پایین بالاتر است. از جمله نکات مثبت محلہ پایین می توان به سطح سواد بالاتر از میانگین کشور و دسترسی مناسب به خدمات شهری و از نکات منفی آن به نفوذ ناپذیری نامناسب، دسترسی نامناسب به فضای سبز و باز و ریزدانی بافت و نرخ بیکاری بیشتر و نرخ اشتغال کمتر از میانگین کشوری اشاره کرد. از نکات مثبت محلہ ولیعصر می توان به سطح سواد بالاتر از نرخ کشوری و نفوذپذیری مناسب بافت و از مشکلات آن می توان به دسترسی ضعیف به برخی خدمات شهری همچون درمانی و کاربری ورزشی و نرخ بیکاری بیشتر از میانگین کشوری اشاره کرد (مهندسین مشاور طرح معتبر، ۱۳۹۹).

شکل شماره ۱ موقعیت استان خراسان جنوبی را در کشور و موقعیت شهرستان قاینات را در استان به علاوه محدوده شهر قاین و دو محلہ انتخابی در شهر قاین نشان می دهد.





شکل ۱. موقعیت محدوده مورد مطالعه

### ۳. یافته‌ها

همان‌طور که بیان شد نمونه آماری این پژوهش، ساکنان دو محله ولی عصر و محله پایین قائن هستند. قبل از ورود به بحث یافته‌ها، توصیف اجمالی از نمونه آماری (پاسخ‌دهندگان پرسشنامه) انجام می‌شود. از مجموع ۳۷۰ نفر پاسخگو به این پرسشنامه حدود ۴۰ درصد مرد و ۶۰ درصد زن است. میانگین سن پاسخ‌دهندگان ۴۱/۰۶ سال و دامنه تغییرات بین ۱۵ تا ۸۴ سال است. بیشترین سهم را پاسخ‌دهندگان مربوط به گروه سنی ۳۰ تا ۴۰ سال با ۲۳/۵ درصد و کمترین سهم را پاسخ‌دهندگان مربوط به گروه سنی (کمتر از ۲۰ سال) با ۸/۳ درصد داشته‌اند. از نظر وضعیت سواد، ۴/۹ درصد بی‌سواد، ۱۳/۸ درصد ابتدایی و نهضت سوادآموزی، ۱۲/۲ درصد راهنمایی، ۳۲/۴ درصد دیپلم، ۱۴/۳ درصد فوق‌دیپلم، ۱۸/۱ درصد لیسانس و ۴/۳ درصد بالاتر از لیسانس بوده‌اند. میانگین مدت اقامت پاسخ‌دهندگان در محله، حدود ۱۸ سال است. از نظر مدت اقامت در محله بیش از ۵۳ درصد پاسخگویان سابقه اقامت بیش از ۱۵ سال را در محله داشته‌اند که نشان‌دهنده سابقه سکونت نسبتاً طولانی در محله است. از نظر وضعیت مالکیت منزل مسکونی بیشتر پاسخ‌دهندگان (حدود ۷۰ درصد) مالک خانه مسکونی هستند، حدود ۱۵/۵ درصد مستاجر، ۱۳/۵ درصد در خانه پدری و بقیه در خانه‌های سازمانی (ادارات و سازمانها) ساکن بوده‌اند.

#### ۳.۱. بررسی تطبیقی حس باهمستان در دو محله قدیمی و جدید

یکی از اهداف این تحقیق، مقایسه بین وضعیت حس باهمستان در دو محله قدیمی و جدید است تا مشخص شود که آیا تفاوتی از نظر حس باهمستان در این دو نوع محله وجود دارد یا خیر. بدین منظور از آزمون T نمونه‌های مستقل استفاده شده است. با توجه به نتایج آزمون T گروه‌های مستقل، برای «حس باهمستان»، آماره T برابر ۱/۳۹۴

و مقدار معناداری متناظر با آن برابر  $0/164$  به دست آمده است. از آنجا که مقدار معناداری بیشتر از آلفای  $0/05$  است با اطمینان بیش از ۹۵ درصد می توان گفت بین محله قدیم (پایین قلعه) و محله جدید (شهرک ولی عصر) از نظر «حس باهمستان» ساکنان تفاوت معناداری وجود ندارد، بنابراین با اینکه گمان می رفت بین دو محله قدیمی و جدید از نظر حس باهمستان تفاوت وجود داشته باشد و بر این اساس فرضیه اول تحقیق تدوین گردید اما نتایج تحقیق، خلاف این فرضیه را نشان می دهد. همان طور که جدول ۳ نشان می دهد در تمام ۴ شاخص حس باهمستان تفاوت معناداری بین دو محله وجود ندارد. در شاخص عضویت که بیانگر حس تعلق فرد به محله است؛ بین ساکنان هر دو محله میانگین نسبتاً بالایی را نشان می دهد. هر چند وضعیت محله ولی عصر کمی بهتر است اما در کل این اختلاف معنادار نیست و می توان وضعیت هر دو محله را شبیه هم دانست. در شاخص تأمین نیازها نیز وضع به همین نحو است و هر دو محله میانگینی بیش از حد متوسط را نشان می دهند. بالا بودن میانگین پیوند عاطفی مشترک در هر دو محله نیز خود یک نکته مثبت در هر دو محله است. این شاخص که بیانگر حس پیوند افراد نسبت به هم و نسبت به محله است می تواند به عنوان عاملی نیروبخش جهت مشارکت اجتماعی و توسعه مشارکتی محله باشد. البته به شرطی که از این ظرفیت بهره برده شود. بنابراین سه شاخص عضویت، تأمین نیازها و پیوند عاطفی در هر دو محله میانگینی بالاتر از حد متوسط (۳) را نشان می دهد اما وضعیت شاخص تأثیرگذاری با سه شاخص دیگر کمی متفاوت است به گونه ای که در هر دو محله، این شاخص در حد متوسط است و در بین شاخص های ۴ گانه، این شاخص کمترین میانگین را نشان می دهد. شاخص تأثیرگذاری بیانگر این است که فرد در امور جمعی و محله ای قدرت تأثیرگذاری و مداخله داشته باشد. هر چند که مقدار این شاخص در حد متوسط ارزیابی می شود اما با توجه به اهمیت فوق العاده آن بر توسعه محله ای باید راهکارهایی برای تقویت تأثیرگذاری مردم بر امور محله از رهگذر برنامه های مشارکتی فراهم گردد.

جدول ۲. مقایسه شاخص های حس باهمستان در دو محله جدید (شهرک ولی عصر) و قدیم (محله پایین) قائن

نام متغیر	نام محله	تعداد	میانگین	انحراف معیار	آماره T	مقدار معناداری
تأمین نیازها	محله ولی عصر	۲۳۰	۳/۵۷۷	۰/۶۴۴	۱/۴۵	۰/۱۴۸
	محله پایین	۱۴۰	۳/۴۷۹	۰/۶۱۲		
عضویت	محله ولی عصر	۲۳۰	۳/۷۳	۰/۸۵۲	۱/۴۹۵	۰/۱۳۶
	محله پایین	۱۴۰	۳/۵۹۳	۰/۸۶۸		
تأثیرگذاری	محله ولی عصر	۲۳۰	۳/۰۹۳	۰/۷۲۵	۰/۵۵۴	۰/۵۸
	محله پایین	۱۴۰	۳/۰۵	۰/۷۱۲		
پیوند عاطفی مشترک	محله ولی عصر	۲۳۰	۳/۵۲۶	۰/۶۷۱	۰/۹۲	۰/۳۵۸
	محله پایین	۱۴۰	۳/۴۶۱	۰/۶۵		
حس	محله ولی عصر	۲۳۰	۳/۴۸۲	۰/۵۷۶	۱/۳۹۴	۰/۱۶۴

نام متغیر	نام محله	تعداد	میانگین	انحراف معیار	آماره T	مقدار معناداری
باهمستان(کل)	محله پایین	۱۴۰	۳/۳۹۶	۰/۵۷۵		

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

### ۲.۳. وضعیت کیفیت ذهنی زندگی در دو محله مورد مطالعه

همان‌گونه که گفته شد کیفیت زندگی دو بعد ذهنی و عینی دارد. بعد ذهنی بیشتر بیانگر رضایت افراد از حوزه‌های مختلف است. در این پژوهش، بعد ذهنی کیفیت زندگی که بیانگر (بعد محیطی-کالبدی، بعد اقتصادی، اجتماعی) مورد توجه می‌باشد. از نظر احساس امنیت وضعیت هر دو محله مناسب است و میانگین احساس امنیت در هر دو بالاتر از حد متوسط است. با این حال آماره T نشان می‌دهد که تفاوت معناداری بین این دو محله وجود ندارد. از نظر تعاملات اجتماعی نیز وضعیت هر دو محله مشابه هم هست و میانگینی بیش از حد متوسط را نشان می‌دهد. شاخص رضایت از اوقات فراغت با اینکه در محله ولی عصر کمی بالاتر است اما تفاوت معناداری با محله دیگر ندارد. از نظر حس نشاط، هر دوی این محلات وضعیت مناسبی دارند وضعیت محله ولی عصر به طور معناداری بهتر از وضعیت ساکنان محله پایین است. در کل وضعیت رضایت از وضعیت اجتماعی هر دو محله بالاتر از حد متوسط است با این حال وضعیت محله ولی عصر بهتر است. از نظر کیفیت محیطی وضعیت محله پایین، در حد متوسط و محله ولی عصر بالاتر از حد متوسط است و با توجه به سطح معناداری، بین دو محله تفاوت وجود دارد. اما از نظر رضایت از دسترسی به خدمات و مسکن وضعیت دو محله تفاوت معناداری با هم ندارد. در کل نیز رضایت از حوزه کالبدی-محیطی هر دو محله مشابه هم و بالاتر از حد متوسط است. از نظر رضایت از بعد اقتصادی زندگی نیز وضعیت هر دو محله در حد متوسط است و تفاوتی بین آن‌ها وجود ندارد. در کل نیز با توجه به نتایج آزمون T گروه‌های مستقل، برای «کیفیت زندگی»، آماره T برابر ۱/۲۶۱ و مقدار معناداری متناظر با آن برابر ۰/۲۰۸ به دست آمده است. از آنجا که مقدار معناداری بیشتر از آلفای ۰/۰۵ است با اطمینان بیش از ۹۵ درصد می‌توان گفت بین محله قدیم (پایین) و محله جدید (شهرک ولی عصر) از نظر «کیفیت زندگی» ساکنان تفاوت معناداری وجود ندارد. بنابراین فرضیه دوم تحقیق نیز تأیید نمی‌شود.

### جدول ۳. مقایسه شاخص‌های کیفیت زندگی در دو محله جدید (شهرک ولی عصر) و قدیم (محله پایین) قائن

ابعاد	نام متغیر	نام محله	تعداد	میانگین	انحراف معیار	آماره T	سطح معناداری
بعد اجتماعی	احساس امنیت	محله ولی عصر	۲۳۰	۳/۸۹۱	۰/۵۵۹	۲/۳۰۱	۰/۲۲
		محله پایین	۱۴۰	۳/۷۲۵	۰/۷۳۲		
	تعاملات	محله ولی عصر	۲۳۰	۳/۷۸۷	۰/۷۳۸	۲/۳۳۹	۰/۲۰

ابعاد	نام متغیر	نام محله	تعداد	میانگین	انحراف معیار	آماره T	سطح معناداری
	اجتماعی	محله پایین	۱۴۰	۳/۵۸۶	۰/۸۴	۰/۲۸۹	۰/۷۷۳
		محله ولی عصر	۲۳۰	۳/۲۴۸	۰/۸۷۴		
اوقات فراغت	محله پایین	۱۴۰	۲/۹۶۴	۰/۸۵۲	۳/۳۳۴	۰/۰۰۱	
	محله ولی عصر	۲۳۰	۴/۰۶۳	۰/۶۲۸			
حس نشاط	محله پایین	۱۴۰	۳/۸۰۷	۰/۷۶۵	۲/۸۴	۰/۰۰۵	
	محله ولی عصر	۲۳۰	۳/۷۵۴	۰/۴۷			
بعد اجتماعی (کل)	محله پایین	۱۴۰	۳/۶۰۱	۰/۴۶۶	۲/۰۶۷	۰/۰۳۹	
	محله ولی عصر	۲۳۰	۳/۱۷	۰/۷۳			
کیفیت محیطی	محله پایین	۱۴۰	۳/۰۰۴	۰/۷۸۱	-۱/۶۶۹	۰/۰۹۶	
	محله ولی عصر	۲۲۹	۳/۱۲۲	۰/۵۰۹			
رضایت از دسترسی به خدمات	محله پایین	۱۴۰	۳/۲۱۳	۰/۴۹۵	۱/۱۷۵	۰/۲۴۱	
	محله ولی عصر	۲۳۰	۳/۵۶۱	۰/۸۱۶			
رضایت از مسکن	محله پایین	۱۴۰	۳/۴۵۷	۰/۸۳۴	۱/۰۳۹	۰/۳	
	محله ولی عصر	۲۲۹	۳/۲۸۴	۰/۵۰۴			
کیفیت کالبدی- محیطی (کل)	محله پایین	۱۴۰	۳/۲۲۴	۰/۵۵۱	-۰/۱۲۹	۰/۸۹۷	
	محله ولی عصر	۲۳۰	۲/۹۵۲	۰/۸۸۸			
بعد اقتصادی	محله پایین	۱۴۰	۲/۹۶۴	۰/۸۵۲	۱/۲۶۱	۰/۲۰۸	
محله ولی عصر	۲۲۹	۳/۳۲۹	۰/۴۸۶				
کیفیت زندگی (کل)	محله پایین	۱۴۰	۳/۲۶۳	۰/۴۸۲			

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

### ۳.۳. رابطه بین حس باهمستان و کیفیت زندگی در محلات مورد مطالعه

در پژوهش حاضر برای بررسی ارتباط میان متغیرهای «حس باهمستان» و «کیفیت زندگی» از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده که نتایج به شرح زیر است:

- با توجه به جدول ذیل، در محله شهرک ولی عصر، ضریب همبستگی میان حس باهمستان و مؤلفه‌های آن باکیفیت زندگی معنادار است چون مقدار معناداری متناظر با این ضرایب از ۰/۰۵ کوچک‌تر است. بنابراین در محله شهرک ولی عصر بین هر چهار مولفه حس باهمستان و متغیر کیفیت زندگی ارتباط معنی‌داری وجود دارد. اما در محله پایین با اینکه رابطه بین متغیر کلی حس باهمستان و کیفیت زندگی معنادار شده است ولی از ۰/۰۵ مولفه حس

باهستان فقط ضریب همبستگی میان متغیرهای عضویت و پیوندهای عاطفی مشترک معنادار شده و تاثیر دو متغیر دیگر (تاثیرگذاری و عضویت) بر متغیر وابسته تایید نشد.

- ضریب همبستگی بین دو متغیر تأمین نیازها و کیفیت زندگی ۰/۲۳۷ می‌باشد که نشان‌دهنده رابطه مستقیم ناقص است و از آنجا که سطح معناداری کوچک‌تر از آلفای ۰/۰۵ است نشان‌دهنده ارتباط معنادار بین این دو متغیر است.

- ضریب همبستگی بین شاخص عضویت و کیفیت زندگی در محلات شهری ۰/۲۲۰ است به گونه‌ای که با احتمال ۹۵ درصد می‌توان گفت، ارتباط بین این دو متغیر، ارتباطی معنادار است. نوع رابطه نیز مثبت ناقص است. این بدین معنا است که حس تعلق بیشتر به محله با رضایت بیشتر از کیفیت زندگی همراه خواهد بود.

- ضریب همبستگی بین شاخص حس تأثیرگذاری و کیفیت زندگی در محلات شهری ۰/۱۶۵ است که به دلیل قرار گرفتن در سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ بیان‌کننده رابطه‌ی معنادار و مثبت بین این دو متغیر است یعنی افزایش حس تأثیرگذاری با افزایش سطح کیفیت زندگی همراه است.

- ضریب همبستگی میان مؤلفه پیوندهای عاطفی مشترک و کیفیت زندگی ۰/۳۰۲ است و میزان معنی‌داری نیز کمتر از آلفای ۰/۰۵ است که نشان می‌دهد بین مؤلفه پیوندهای عاطفی مشترک و کیفیت زندگی در محلات شهری رابطه‌ی معناداری وجود دارد. براین اساس، به هر اندازه که پیوند و ارتباط عاطفی مشترک بین افراد در محلات شهری بیشتر باشد به همان اندازه کیفیت زندگی در آن محلات بیشتر خواهد بود.

در محله «شهرک ولی عصر» ضریب همبستگی پیرسون بین «حس باهمستان» و «کیفیت زندگی» ۰/۳۴۵ است که نشان‌دهنده رابطه مستقیم و شدت همبستگی بالا بین این دو متغیر است. از آنجا که مقدار معناداری کمتر از آلفای ۰/۰۵ است؛ می‌توان این رابطه را معنادار دانست.

در «محله پایین» ضریب همبستگی پیرسون بین «حس باهمستان» و «کیفیت زندگی» ۰/۱۷۷ است که نشان‌دهنده رابطه مستقیم بین این دو متغیر است. از آنجا که مقدار معناداری کمتر از آلفای ۰/۰۵ است ضریب همبستگی بین دو متغیر در محله پایین معنادار است.

در مجموع و در دو محله شهرک ولی عصر و پایین ضریب همبستگی پیرسون بین «حس باهمستان» و «کیفیت زندگی» ۰/۲۸۵ است که نشان‌دهنده رابطه مستقیم و شدت همبستگی متوسط بین این دو متغیر است. از آنجا که مقدار معناداری کمتر از آلفای ۰/۰۵ است با اطمینان بیش از ۹۵ درصد این ضریب همبستگی به دست آمده در نمونه آماری را می‌توان به کل جامعه آماری (جمعیت کل دو محله) تعمیم داد، بنابراین فرضیه سوم تحقیق قابل قبول است.

#### جدول ۴. نتایج آزمون همبستگی برای متغیرهای تحقیق

نام متغیر	کل	شهرک ولی عصر	محله پایین
ضریب همبستگی پیرسون	۰/۲۳۷	۰/۳۰۹	۰/۰۹۹
مقدار معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۲۴۳

نام متغیر	کل	شهرک ولی عصر	محلله پایین
عضویت	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۲۳۰	۰/۱۹۴
	مقدار معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۲۱
تأثیرگذاری	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۲۲۲	۰/۰۶۴
	مقدار معناداری	۰/۰۰۱	۰/۴۵۳
پیوندهای عاطفی مشترک	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۳۵۶	۰/۲۰۳
	مقدار معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۱۶
حس باهمستان(کل)	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۳۴۵	۰/۱۷۷
	مقدار معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۳۶

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

### ۳.۴. بررسی نقش تعدیل‌کنندگی محلله بر همبستگی حس باهمستان و کیفیت زندگی

در این بخش بررسی می‌شود که آیا تفاوت در محلله باعث تغییر در همبستگی بین متغیر مستقل (حس باهمستان) و وابسته (کیفیت زندگی) می‌شود. برای آزمون این فرضیه، از آزمون رگرسیون دو مرحله‌ای استفاده شد. در مرحله نخست، متغیر حس باهمستان و نوع محلله به عنوان دو متغیر جداگانه وارد مدل رگرسیون شد. همان‌طور که ملاحظه می‌گردد، ضریب تعیین اصلاح شده حدود ۷/۸ درصد از تغییرات متغیر کیفیت زندگی را تبیین می‌کند. مقدار بتا هر چند برای حس باهمستان در سطح معناداری کمتر از آلفای ۰/۰۱ معنادار است اما برای متغیر نوع محلله معنادار نیست. برای آزمون فرضیه در نهایت اثر جمله تعاملی نوع محلله و حس باهمستان (مضروب این دو متغیر) در مدل وارد شد با ورود این جمله به معادله، وضعیت ضریب تبیین بهبود پیدا کرد و به ۸/۳ درصد رسید. البته با توجه به اینکه سطح معناداری بیش از آلفای ۰/۰۵ است (حدود ۰/۰۹۷) می‌توان گفت که تفاوت در محلله نتوانسته همبستگی بین حس باهمستان و کیفیت زندگی را تعدیل نماید بنابراین فرضیه چهارم تحقیق غیر قابل قبول است.

### جدول ۵. آزمون نقش تعدیل‌کنندگی نوع محلله در رابطه بین حس باهمستان و کیفیت زندگی

مراحل مدل	-	R	$R^2$ اصلاح شده	$R^2$	Beta	سطح معناداری
۱	ویژگی‌های مدل	۰/۲۸۹	۰/۰۷۸	۰/۰۸۳	-	-
	حس باهمستان	-	-	-	۰/۲۸۲	۰/۰۰۰
	نوع محلله	-	-	-	-۰/۰۴۴	۰/۳۸۳
۲	ویژگی‌های مدل	۰/۳۰۰	۰/۰۸۳	۰/۰۹	-	-
	حس باهمستان	-	-	-	۰/۵۱۸	۰/۰۰۱
	نوع محلله	-	-	-	۰/۴۵۴	۰/۱۳۵
	نوع محلله × حس باهمستان	-	-	-	-۰/۵۴۴	۰/۰۹۷

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

## ۴. بحث

هدف اصلی این مقاله تحلیل تأثیر حس باهمستان بر کیفیت زندگی در محلات شهری است. در این تحقیق به بررسی تطبیقی حس اجتماع و کیفیت زندگی در دو بافت گوناگون محله‌ای یکی محله قدیمی (محله پایین) و دیگری محله جدید (شهرک ولیعصر) در شهر قائن پرداخته شده تا مشخص گردد که آیا تفاوت معناداری بین این دو نوع بافت از نظر حس باهمستان و کیفیت زندگی وجود دارد یا خیر و در نهایت آیا رابطه معناداری بین این دو متغیر وجود دارد یا خیر. نتایج این پژوهش بیانگر آن است که حس باهمستان در هر دو محله بالاتر از حد متوسط است. در بررسی تطبیقی دو محله نیز این نتیجه حاصل شد که هر دو محله حس باهمستان بالاتر از حد متوسطی دارند اما بین دو محله از نظر میانگین حس باهمستان تفاوتی وجود ندارد در حالیکه گمان می‌شد که بین دو محله که بافت اجتماعی و کالبدی متفاوتی دارند حس باهمستان متفاوت باشد. زیرا محله پایین عمدتاً یک محله قدیمی است که سابقه سکونت خانوارها در کنار هم بیشتر از محله ولیعصر است و انتظار می‌رفت که ساکنان محله قدیمی حس تعلق روابط و پیوندهای قوی‌تری را نسبت به محله جدید تجربه کنند. بالا بودن حس باهمستان در دو محله (قدیمی و جدید) مورد بحث، می‌تواند ناشی از خصلت شهرهای کوچکی چون قاین باشد که علی‌رغم تغییرات اجتماعی نسبت به گذشته، هنوز هم روابط رو در رو، شناخت همسایگان نسبت به هم، مفهوم هم محله‌ای وجود دارد و این امر باعث شده حس باهمستان در هر دو محله بالا باشد. نکته مهم دیگر که شایان ذکر است اینکه حس تأثیرگذاری در بین شاخص‌های ۴ گانه، کمترین میانگین را در هر دو محله نشان می‌دهد. شاخص تأثیرگذاری بیانگر این است که فرد در امور جمعی و محله‌ای قدرت تأثیرگذاری و مداخله داشته باشد. هر چند که مقدار این شاخص در حد متوسط ارزیابی می‌شود اما با توجه به اهمیت فوق‌العاده آن بر توسعه محله‌ای باید راهکارهایی برای تقویت تأثیرگذاری مردم بر امور محله از رهگذر برنامه‌های مشارکتی فراهم گردد. در کل بالا بودن میزان حس باهمستان در هر دو محله یک نکته مثبت برای مدیریت و برنامه‌ریزی‌های محله مبنای می‌تواند باشد. همچنین نتایج نشان داد که کیفیت زندگی دو محله تفاوت معناداری با هم ندارد و هر دو محله تقریباً شرایط مشابهی را از نظر کیفیت زندگی نشان می‌دهند. نتایج در مجموع و در دو محله شهرک ولیعصر و محله پایین همبستگی معناداری بین «حس باهمستان» و «کیفیت زندگی» وجود دارد و حس باهمستان می‌تواند کیفیت زندگی را تحت تأثیر قرار دهد. یعنی به هر اندازه که حس باهمستان افزایش یابد سطح کیفیت زندگی نیز تحت تأثیر آن افزایش پیدا می‌کند. نتایج تحقیق حاضر با تحقیق سیکوگنانی و همکاران (۲۰۱۲)، واندرسمن و چیوز، هوانگ و وونگ (۲۰۱۳)، ایزابل و همکاران (۲۰۱۳)، کانتارو و همکاران (۲۰۰۷) شباهت دارد. این پژوهشگران نیز در پژوهش خود به نقش مثبت حس باهمستان بر رضایت از کیفیت زندگی و بهزیستی افراد تأکید دارند.

## ۵. نتیجه گیری

نتایج این تحقیق نشان داد که در هر دو محله (شهرک ولی عصر و محله پایین) رابطه معناداری بین حس باهمستان و رضایت از کیفیت زندگی وجود دارد و تفاوتی از نظر همبستگی بین دو متغیر در دو محله وجود ندارد. بنابراین می توان گفت، حس باهمستان، نقش بسزایی در بهبود کیفیت زندگی اعضای یک محله دارد. زیرا حس باهمستان که شامل حس تعلق، پیوند عاطفی ساکنان یک محله، حس تاثیرگذاری و تامین نیازهای آنان از طریق شبکه ارتباطات و پیوندهای اجتماعی است می تواند به بهبود وضعیت روانی، اجتماعی و اقتصادی آنان کمک کند. از سوی دیگر وقتی حس باهمستان بهبود یابد کنش های جمعی همچون مشارکت در امور محله تسهیل می گردد که در نهایت به بهبود کیفیت زندگی در محلات شهری کمک می کند.

هر چند از نظر ساکنان حس باهمستان و کیفیت زندگی در هر دو محله نسبتاً مناسب است (بالاتر از حد متوسط است) اما به هر رو تقویت این شاخص ها می تواند به بهبود وضعیت زندگی در این محلات بیانجامد. برای تقویت حس باهمستان موارد ذیل پیشنهاد می شود:

- حمایت از شکل گیری و فعالیت نهادهای محله ای که می تواند به عضویت افراد و گفتگو، معاشرت، همکاری بین افراد محله کمک کند که در نهایت حس باهمستان را در افراد تقویت نماید.

- ارتقاء فضاهای عمومی در محلات که می تواند بستری برای گردهمایی ساکنان محله و افزایش حس هم محله ای بودن، حس تعلق به محله و شهر، پیدا کردن اشتراکات و در نهایت بهبود حس باهمستان محله ای شود. -

- مشارکت دادن مردم در تصمیم سازی و تصمیم گیری های مرتبط با محله که خود عاملی در افزایش حس تعلق افراد به باهمستان محله ای و نیز حس تاثیرگذاری افراد در محیط پیرامونشان است.

- طبق نتایج تحقیق، رضایت از اوقات فراغت در محله پایین در حد متوسط است و این می طلبد که در برنامه ریزی های مربوط به محله به افزایش فرصت های اوقات فراغت در این محلات توجه شود.

- برگزاری برنامه های فرهنگی برای ساکنان محله جهت ارتباط بیشتر ساکنان با یکدیگر

- ایجاد نهادهای محله محور در محلات مورد مطالعه به منظور افزایش مشارکت، همبستگی و حس باهمستان.



## کتاب‌نامه

۱. حسین آبادی، س.، روستایی، ش.، و یاپنگ غراوی، م. (۱۳۹۳). سنجش کیفیت زندگی در سکونت‌گاه‌های غیر رسمی، نمونه مطالعاتی: محدوده شرق کال عیدگاه سبزوار. فصلنامه علمی و پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، ۶(۳)، ۲۰۰-۲۱۵.
۲. حسینی عباس‌آبادی، م.، و طالعی، م. (۱۳۹۶). ارزیابی کیفیت زندگی شهری مبتنی بر داده‌های آماری و مکانی. نشریه علمی - پژوهشی علوم و فنون نقشه‌برداری، دوره ششم، ۶(۴)، ۵۵-۴۱.
۳. خسروی، م. (۱۳۷۸). جمعیت، فضا و برنامه‌ریزی در شهر قاین. تهران: پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده علوم زمین دانشگاه شهید بهشتی.
۴. ربانی خوراسگانی، ع.، و کیانپور، م. (۱۳۸۷). درآمدی بر رویکردهای نظری و تعاریف عملی مفهوم کیفیت زندگی. نشریه مددکاری اجتماعی، ۵(۴)، ۵۷-۴۲.
۵. رجبی، ن.ا. (۱۳۸۴). تاریخ و جغرافیای شهرستان قاینات (توانمندیها و راهبردهای توسعه). تهران: انتشارات شهر آشوب.
۶. رحمانی فیروزجاه، ع.، و سهرابی، س. (۱۳۹۲). بررسی جامعه‌شناختی رابطه میان کیفیت زندگی و سرمایه اجتماعی (مطالعه موردی: شهر تهران). فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی، ۱(۲)، ۱۷۵-۱۵۷.
۷. رفیعیان، م.، صادقی، ع.ر.، خادمی، م.، و احمدی، ف. (۱۳۹۴). باهمستانها، راهبرد توسعه پایدار در طراحی شهرها. ابرکوه: چهارمین همایش ملی توسعه پایدار در مناطق خشک و نیمه‌خشک.
۸. رهنمایی، م.ت.، فرجی ملائی، ا.، حاتمی نژاد، ح.، و عظیمی، آ. (۱۳۹۱). تحلیلی بر مفهوم کیفیت زندگی شهری در شهر بابلسر. جغرافیا و آمایش شهری منطقه‌ای، ۲(۵)، ۷۶-۴۹.
۹. زیاری، ک.، حاتمی، ا.، و مصباحی، س. (۱۳۹۶). بررسی عوامل مؤثر بر افزایش مشارکت اجتماعی با تأکید بر احساس تعلق محله‌ای (مطالعه موردی: نورآباد دلفان). دو فصلنامه علمی - پژوهشی «جغرافیای اجتماعی شهری»، ۴(۲)، ۸۶-۶۹.
۱۰. شارع پور، م. (۱۳۹۵). جامعه‌شناسی شهری. چاپ نهم. تهران: انتشارات سمت.
۱۱. شربتیان، م. ح.، و عرفانیان قصاب، ا. (۱۳۹۷). تأثیر سرمایه اجتماعی بر بهزیستی اجتماعی به‌واسطه نقش میانجی کیفیت زندگی و رضایت از زندگی (مطالعه موردی: جوانان ۱۸ تا ۳۰ ساله شهرستان قاین). فصلنامه توسعه اجتماعی (توسعه انسانی سابق)، ۱۳(۱)، ۲۲۷-۱۹۵.
۱۲. غفاری، غ.ر.، و امیدی، ر. (۱۳۸۸). کیفیت زندگی؛ شاخص توسعه اجتماعی. تهران: نشر شیرازه.
۱۳. فیروزجاییان، ع. ا.، و دهقان حداد، م. (۱۳۹۴). ارتباط و تأثیر کیفیت زندگی عینی بر کیفیت زندگی ذهنی (مطالعه موردی: شهر آمل، استان مازندران). فصلنامه‌ی مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی، ۳(۴)، ۱۸۴-۱۵۷.
۱۴. کاظم‌زاده، ع.، نیسانی سامانی، ن.، درویش بلورانی، ع.، تومانیان، آ.، و پوراحمد، ا. (۱۳۹۷). ارزیابی کیفیت زندگی شهری با استفاده از سنجش‌ازدور و GIS. فصلنامه علمی-پژوهشی اطلاعات جغرافیایی (سپهر)، ۲۷(۱۰۷)، ۳۱-۴۷.

۱۵. کروی، م.، بابائی، ی.، شیخ حسینی، ن.، و آغنده م. ع. (۱۳۹۹). بررسی ارتباط بین صنعت گردشگری و بهبود کیفیت زندگی جامعه میزبان (مورد مطالعه: شهر سرعین). *فصلنامه توسعه اجتماعی (توسعه انسانی سابق)*، ۱۴(۴)، ۶۳-۸۸.
۱۶. لطفی، ص. (۱۳۸۸). مفهوم کیفیت زندگی شهری: تعاریف، ابعاد و سنجش آن در برنامه‌ریزی شهری. *فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیای انسانی*، ۱(۴)، ۸۰-۶۵.
۱۷. محمودی زاد، س.، و ذاکر حقیقی، ک. (۱۳۹۵). ارزیابی شاخص‌های کیفیت زندگی در محدوده‌های روستا - شهری (نمونه موردی: روستا - شهر فرحزاد). *مطالعات محیطی هفت حصار*، ۴(۱۵)، ۱۴ - ۵.
۱۸. مرکز آمار ایران. (۱۳۹۵). سرشماری عمومی نفوس و مسکن. تهران: مرکز آمار ایران.
۱۹. منصور رضایی، م.، مدیری، آ.، و رفیعیان، م. (۱۳۹۲). روشی برای تحلیل خصیصه‌های باهمستانی در نظام محلات شهری (نمونه موردی: محله نازی آباد تهران). *فصلنامه معماری و شهرسازی*، ۵(۱۰)، ۶۹-۸۶.
۲۰. مهندسان مشاور طرح معتبر (۱۳۹۹)، شناسایی و تهیه سند چارجوب برنامه ریزی محدوده‌ها و محلات نیازمند باز آفرینی شهر قاین. قاین: شهرداری قاین.
۲۱. نسترن، م.، احمدی، ق.، و آقازاده مقدم، س. (۱۳۹۴). ارزیابی کیفیت زندگی شهری در محلات بافت قدیم و جدید شهر ارومیه. *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، ۷(۳)، ۷-۳۳.
۲۲. نقدی، ا.، و بابایی، ح. (۱۳۹۴). مروری بر شاخص‌ها و مؤلفه‌های کیفیت زندگی شهری (مورد مطالعه شهر همدان). *فصلنامه مطالعات مدیریت شهری*، ۷(۲۳)، ۱-۱۴.
۲۳. ویسی ناب، ب.، بابایی اقدم، ف.، و قربانی، ر. (۱۳۹۸). شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مرتبط با بعد اقتصادی زیست پذیری شهری (مطالعه‌ی موردی: کلان‌شهر تبریز). *پژوهش‌های جغرافیایی برنامه‌ریزی شهری*، ۷(۱)، ۱۴۹-۱۲۷.

24. Cantarero, R., Potter, G., & Leach, Ch. (2007). *Perceptions of quality of life, sense of community, and life satisfaction among elderly residents in Schuyler Crete, Nebraska*. Nebraska: Environmental Design Research Association, 38th annual conference.
25. Cicognani, E., Zani, B., & Albanesi, C. (2012). Sense of community in adolescence. *Global Journal of Community Psychology Practice*, 3(4), 119-125.
26. Huang, Y., & Wong, H. (2013). Impacts of sense of community and satisfaction with governmental recovery psychological status of the wenchuan earthquake survivors. *Social Indicators Research*, 117, 1-16.
27. Isabel Hombrados-Mendieta, M., Gomez-Jacinto, L., Dominguez-Fuentes, J.M., & Garcial-Leiva, P. (2013). Sense of community and satisfaction with life among immigrants and the native population. *Journal of Community Psychology*, 41(5), 601-614.
28. Mc Millan, D.W., & Chavis, D. (1986). Sense of community: A definition and theory. *Journal of Community Psychology*, 14, 6-23.
29. Obst, P. (2004). *Community connections: psychological sense of community and Identification in Geographical and Relational settings*. Brisbane: A thesis submitted as fulfilment for the Degree of Doctor of Philosophy, School of Psychology and Counselling, Queensland University of Technology.

30. Pretty, G., Bishop, B., Fisher, A., & Sonn, Ch. (2006). Psychological sense of community and its relevance to well-being and everyday life in australia. *The Australian Psychological Society Ltd level*, 11, 1-25.
31. R.Hanly, J. (2011). *A study of psychological sense of community within living-learning environments*. Illinois: Masters Theses, Eastern Illinois University.
32. Salahia, S., Ghasemi, V., Azarpour, A., & McClelland, A. (2018). Investigating the effects of influential factors on sense of community: Life satisfaction as an outcome. *Journal of Social Sciences*, 4(3), 279-291.
33. Smith, K.M. (2011). *The relationship between residential satisfaction, sense of community, sense of belonging and sense of place in a Western Australian urban planned community*. Joondalup: Thesis for Ph.D. Faculty of Computing, Health & Science, Edith Cowan University.
34. Terry, R.E. (2017). *The influence of community on the relationship between community participation and recovery for individuals with serious mental illnesses*. Portland: The degree of master of science in psychology. Portland State University.

